

حکایت ساخته شدن

یک ملت

کارنامه سفر به ژاپن

حسین افشین منش



انتشارات سازوکار

- سرشناسه : افشین منش، حسین، ۱۳۳۲ -
- عنوان و نا پدیدآور : حکایت ساخته شدن یک ملت: کارنامه سفر به ژاپن / نویسنده حسین افشین منش
- وضعیت ویراست : ویراست ۲.
- مشخصات نشر : تهران : ساز و کار، ۱۳۹۶.
- مشخصات ظاهری : ۹۶ ص.؛ ۵/۱۴×۵/۲۱ س.م.
- شابک : 978-600-725-35-3
- وضعیت فهرست نویسی : فیپا
- یادداشت : ویراست قبل کتاب حاضر نخستین بار تحت عنوان "در میان مدیران ژاپنی: کارنامه سفر به ژاپن" منتشر شده است.
- یادداشت : کتابنامه: ص. [۲۹۳] - ۲۹۶
- عنوان دیگر : کارنامه سفر به ژاپن.
- عنوان دیگر : در میان مدیران ژاپنی: کارنامه سفر به ژاپن.
- موضوع : مدیریت تولید -- ژاپن
- موضوع : افشین منش، حسین، ۱۳۳۲ - -- ژاپن
- موضوع : Japan Production management --
- موضوع : مدیریت -- ژاپن
- موضوع : Management -- Japan
- موضوع : مدیریت صنعتی -- ژاپن
- موضوع : Industrial management -- Japan
- رده بندی کنگره : TS۱۳۹۶۱۵۵۴۱۶۵الف /
- رده بندی دیویی : ۰۰۹۵۲/۶۵۸
- شماره کتابشناسی ملی : ۴۶۴۲۵۲۴



انتشارات سازوکار

حکایت ساخته شدن یک ملت (کارنامه سفر به ژاپن)

نویسنده: حسین افشین منش

ویراستار: مرتضی حاج علی فر

چاپ اول: ۱۳۹۰ / تیراژ: ۴۰۰

چاپ: چاپخانه صنوبر

قیمت: ۱۲۰ تومان

کلیه حقوق برای انتشارات سازوکار محفوظ است.

انتشارات سازوکار: تهران، صبح انقلاب خ ۱۰، فروردین خ شهدای ژاندارمری غربی

بن بست گرانفر پلاک ۱؛ تلفن: ۶۶۴۶۱۰۰۰، فاکس: ۴۲۶۹۴۵۷۷

تلفن مرکز پخش کتاب آثار: ۶۶۴۶۱۸۹۲، ۶۶۴۶۰۲۳۳

www.digitbookshop.ir

Sazoka Publishing co. Tehran I.R Iran

Sazoka.pub@gmail.com

فهرست

۹	مقدمه:
۲۳	در ره عشق سفر باید کرد!
۲۷	به طرب توکیو
۳۴	در مرکز آملش
۴۱	به طرف ناگوبو
۵۱	افتتاح دور (آقای پروسور تاکاناکا)
۵۹	راهبری شرکت ای ژاپن (آقای دکتر آکی موتو)
۶۶	بازدید از کارخانه فرسازی توکو (نحوه مدیریت شرکت)
۷۹	کنترل کیفیت (مفاهیم و دانشیه) / (آقای موراتا)
۸۷	بازدید از کارخانه قالب سازی سمپا (مدیریت و رهبری)
۹۴	برنامه ریزی تولید (آقای پروسور تاکاناکا)
۱۰۸	کنترل کیفیت در ژاپن (آقای ایوایاما)
۱۱۲	آغاز سفر علمی (به طرف کیوتو)
۱۱۷	به طرف اوساکا
۱۲۲	در موزه صلح هیروشیما
۱۳۳	بازدید از واحد صنعتی دای کین (مدیریت و رهبری)
۱۴۲	بازدید از واحد شیشه سازی تویو
۱۴۵	مقدمه ای بر سنجش هزینه ها (آقای موراتا)
۱۵۵	مدیریت تولید در تویوتا (آقای سوادا)
۱۶۶	ایمنی صنعتی (آقای ایوایاما) ۱
۱۷۴	در میان خانواده های ژاپنی (فرهنگ، آداب و باورها)
۱۹۶	روابط انسانی و سیستم ۵ اس (آقای دکتر آکی موتو)

۲۰۹	بازدید از کارخانه نیتوالکترونیک (مدیریت بهره‌وری)
۲۲۳	ملاقات با یک استاد ایران‌شناس ژاپنی دانشگاه توکیو
۲۲۷	ژاپنی‌ها چگونه مدیریت می‌کنند؟ (آقای پروفیسور تاکاناگا)
۲۴۱	بازدید از کارخانه نیپون دنسو (آموزش و رهبری)
۲۵۰	بهبود روابط کارکنان با یکدیگر (آقای دکتر آکی موتو)
۲۵۸	نشست آخر دوره (ارائه آموخته‌ها)
۲۶۶	بازگشت به توکیو (در مرکز آموزش)
۲۷۳	به طاعت ایران
۲۷۵	سخن پایانی
۲۸۵	فرجام
۲۸۷	فرازهای سفرنامه در باب مدیریت منابع انسانی
۲۹۳	منابع

«ربنا حول حالتنا إلى أحسن الحال»

ای خدا ای فضل تو حاجت روا
با تو باد هیچ کس نبود روا
قطره دانش که بخشیدی ز پیش
متصل گردان به دریاهای خویش
(مولانا)

مقدمه:

ژاپن کشوری است که یک تحول «متکی به خود» را تحقق بخشیده است. موقعیت کنونی اش به عنوان یک قدرت بزرگ اقتصاد به یکباره و زیر نفوذ خارجی به دست نیامد، بلکه با به کار انداختن استعداد های خاص و شوق بی پایان مردمان آن دیار به کار بهتر و بیشتر حاصل شد. با نگاهی به تاریخ معاصر ژاپن می توان به این جمع بندی رسید که تنها غرض توپ های مهاجمان آمریکایی موجب بیدار شدن ژاپن از خواب دویست ساله اش نشد، بلکه زمینه قبلی این بیداری از مدت ها پیش فراهم آمده بود. دگرگونی های اقتصادی و رشد طبقه سرمایه دار شهری و به ویژه افزایش و گسترش اختلافات درونی موجب ضعف حکومت وقت شد و در نتیجه با نخستین فشار خارجی از هم گسست. این فروپاشی تنها در ارکان حکومت رخ داد و جامعه ژاپن از نظر روابط اجتماعی

و باورهای قومی و سنی هم چنان انسجام و یکپارچگی خویش را حفظ کرد؛ انسجامی که در فاصله دو قرن (۱۸۶۸ - ۱۶۰۳) بر اثر تدبیر حکومت‌های وقت بر سراسر این کشور سایه افکند.

در بررسی وضعیت امروز جامعه ژاپن و تحلیل چگونگی شکل‌گیری مدیریت آن، پافشاری شماری بر یک صد سال اخیر است، ولی اغلب تحلیلگران معتقدند که ژاپن در عرض نیم قرن خود را ساخته است. اما واقعیت آن است که تمامی این تحولات بر باورها، ارزش‌ها و روابطی متکی است که پیش از دو قرن در میان ایشان حاکم بوده است. البته در این میان تغییراتی مستقیم چین را نیز نباید نادیده گرفت و باید آن را به عنوان نخستین اولیه فرهنگی این کشور به شمار آورد. ژاپن تنها دین را از چین وارد نکرد، بلکه هر همه مظاهر زندگی پیرو این کشور شد. نکته برجسته و بسیار مهم در مامل آن نقل و انتقالات فرهنگی، کیاست و تدبیر زمامداران وقت ژاپن است. در طول این دوران، همه چیز را پس از پالایش آن‌ها در قرنطینه آداب و سنت‌ها وارد جامعه خود کرده‌اند.

آیین بودا که بدبینی و فناندیشی را به پیروان خود دیکته می‌کرد، در ورود به ژاپن، فضایی چون قناعت، مسالمت‌طلبی و اطاعت را که عواملی برای فرمان‌بری جامعه در برابر حکومت است، به مردم تلقین می‌کند.^۱ بر این اساس، هر پدیده تازه‌ای که وارد ژاپن می‌شد تغییر شکل می‌یافت و رنگ و بوی فرهنگ ژاپنی می‌گرفت.

ویژگی دیگر این ملت، دل‌بستگی به سرزمین آبا و اجدادی‌شان بوده است. سرزمین پر مخاطره ژاپن، کشوری است که بیشتر آن را کوه‌های آتش‌فشانی تشکیل می‌دهد. زلزله‌های پی‌درپی و خرابی‌ها و آتش‌سوزی‌های مهیب و نیز طوفان‌های سهمگین و باران‌های سیل‌آسا،

حتی یک بار نیز فکر مهاجرت را به ذهن ایشان راه نداده است. به گفته برتولد برشت: «در یوکوهاما زلزله آمد، همه چیز را خراب کرد اما فولاد بر جای ماند!»

نگاهی به تاریخ باستانی ژاپن مؤید این واقعیت است که از گذشته‌های دور، این باور در میان ژاپنی‌ها وجود داشته که جزایر ژاپن، سرزمین مقدسی است که خداان به وسیله دو الهه مقرب خود در پهنه آب‌های نیلگون به وجود آورده‌اند. ژاپن سرزمین آفتاب و خاستگاه خورشید است. امپراتور ژاپن، فرزند الهه آفتاب است. ژاپنی‌ها نژاد برتر و برگزیده خدایان‌اند. این باور کهن، اساس دلبستگی ژاپنی‌ها به سرزمینشان بوده است.

از مظاهر دیگر شخصیت ژاپنی، پشتکار عجیب و کم نظیر اوست. ژاپن از زمان‌های قدیم با صنعت کشاورزی اداره می‌شده و کشاورز ژاپنی عادت داشته است که ضمن دست و پا به نرم کردن با بلایای طبیعی و خانه‌به‌دوشی‌های پیاپی، مالیات‌های سرینده حکومت وقت را نیز بپردازد. او در کمترین زمان ممکن، ضمن آن‌که مجبور بود با کشت بیشتر برنج خراج تعیین‌شده را بدهد، باید برای قوت و سلامه خود و خانواده‌اش نیز چیزی ذخیره می‌کرد. در این میان، اضطراب او به ادای حقوق حکومت بیشتر بوده است. در یکی از مفاد دستورالعملی که حاکم وقت خطاب به کشاورزان ابلاغ کرده، چنین آمده است:

«در طول ماه دوازدهم سال، اگر آگهی مالیات پس افتاده‌ای از تبول‌دار یا محصل مالیات آمده باشد، آن را زود پرداز. اگر در پی آگهی و اخطار، مالیات پرداخت نشود، شاید همسر عزیزت را وجه‌الضمان نگاه‌دارند»^۱.

البته در این‌گونه برخوردها زمامداران تنها نبودند، بلکه کاهنان بودایی نیز

۱. اکثر شواهد و مستندات تاریخی از کتاب تاریخ ژاپن آمده است (م).

با توجیهات مذهبی زمینه‌های روحی را فراهم می‌آوردند. برای مثال به کشاورزان تلقین می‌کردند که این خواست خدایان است و ایشان باید تابع و بنده فرمان‌ها باشند.

احترام به مافوق و رعایت سلسله‌مراتب، صفت دیگر جامعه ژاپنی است. در این کشور، خانواده به عنوان نخستین مکان آموزش، مفاهیم اساسی را در روابط بین فرزندان با والدین تعلیم می‌داد. مادر ژاپنی درحالی که نرادرش را با بند به پشت خود بسته است، در حالت تعظیم به شوهر، یا دستش را برپیشانی او از پشت به جلو خم می‌کند و همراه با خود، او را نیز به تعظیم می‌دارد. کودک او هم چنان که تاتی کردن را می‌آموزد، احترام گذاشتن به بزرگ‌تر را نیز یاد می‌گیرد.^۱

استحکام و پیوند حاصل از این نوع تربیت موجب می‌شد تا فرزندان فرمان‌بردار باشند و اگر راضی به خلاف میلشان نیز مطلبی گفته شود، اعتراضی نکنند.

در اصل چهارم قانون امپراتوری در سال ۱۶۳۳، خطاب به مردم ژاپن آمده است:

قانون‌شکنان نباید در هیچ امارتی پناه ده شوند. قانون، اساس آداب و نظم اجتماعی است؛ شاید خلاف نطق باشد، اما به این دلیل نمی‌توان قانون‌شکنی کرد.^۲

تمامی این ویژگی‌های رفتاری در سرزمینی رشد می‌کرد که با وجود پاره‌ای نامهربانی‌های طبیعت، باز از حمایت آن نیز برخوردار بود. این سرزمین در طول دو قرن و نیم، ژاپنی‌ها را از حملات خارجی محافظت کرده بود و تاریخ این کشور، جز حمله مغول که آن هم در اثر طوفانی

۱. گل داوودی و شمشیر (الگوهای فرهنگ ژاپنی).

۲. تاریخ ژاپن.

عظیم به شکست انجامید و نیز حمله آمریکا در جنگ جهانی دوم، تهاجمی دیگر را ثبت نکرده است. این ثبات، موجب امنیت خاطر برای مردم ژاپن در طول سالیان طولانی شد و زمینه را برای تقویت هرچه بیشتر نجوای کاهنان بودایی و روحانیون شینتو که ژاپن را سرزمین مقدس می خواندند و آن را در گنف حمایت خدایان می دانستند، فراهم آورد. استمرار چنین وضعی این فرصت را به وجود آورد تا زمامداران، برنامہ های بلندمدت و پیوسته ای برای سازندگی و تعالی کشور تدوین کنند. جامعہ سیاسی و ملی ژاپن در طول زمان های مختلف هم چنان دست نخورده باقی ماند و حاکمیت امپراتور و اعقاب وی، نسل به نسل منتقل شد.

نظام ارشدیت و روابط برادری و محبوس، خود به خود موجب وفاداری و وابستگی به ولی نعمت می شد. به تعبیر عموم، کسانی که توسط اربابی پرورنده می شدند، به نظر ری بهد می مردند. اغلب مردم به گفته معروف «نمی توان خادم دو آقایان» بار داشتند.

ژاپن با اندوخته ای به این وسعت به غرب و آمریکا روبه رو شد که بعدها نیز به صورت یکی از طنزهای نیش دار تاریخ در بار آمریکا درآمد.

نخستین هیئت ژاپنی پس از بازدید از غرب و آمریکا به این جمع بندی رسیدند که برای هرگونه اعلام حضور در جهان، راه را از می باید پیمایند. آن ها در این سفر با بخش اعظم مظاهر و پیشرفت های خارج آشنا شدند و در نتیجه پس از بازگشت به وطن عزم را استوار کردند تا در تجدید سازمان کشورشان با سرعت هرچه تمام تر پیش روند.^۱

۱. ناگاواکا، دانشجوی رشته مغناطیس و فیزیک دان ژاپنی در نامه ای به استادش آقای تاناکا در ژاپن چنین می نویسد: «ما باید با چشم و گوش باز و ذهن آماده، بدون احساس خستگی و بدون یک لحظه توقف، به شدت کار کنیم. هیچ دلیلی ندارد که اروپایی ها در همه چیز این قدر از همه جلوتر باشند. ما می توانیم ظرف ده تا بیست سال آینده از این مردمی که در مورد علم به قول شما این قدر منم منم می زنند، جلو بزنیم. (انتقال تکنولوژی به جهان سوم، ص ۵۸).

نخستین و مهم‌ترین تصمیم آن شد که رجال، امیران و متنفذان حکومت، با وجود اختلاف نظرها، برای سرنوشت ژاپن با هم کنار بیایند. شاید اگر این تفاهم و آگاهی که از وسعت بینش آن‌ها به مسائل بین‌المللی مایه می‌گرفت، پیش نمی‌آمد، هرگز نمی‌توانستند در پایه‌ریزی بنیاد نظام جدید ژاپن سربلند بیرون آیند.

در ابتدای سازندگی کشور، مسئله بی‌سوادی بیش از همه جلب نظر می‌کرد. در نتیجه از همان ابتدا آموزش اجباری به اجرا درآمد. چنان‌که پنجاه سال بعد، ۹۹/۴۴ درصد کودکان ژاپنی به مدرسه می‌رفتند و تا سال ۱۹۲۷، ۹۳ درصد مردم توانایی خواندن داشتند. آن‌ها با شوری دینی و مذهبی به تحصیل علم پرداختند. این سخت‌کوشی به اندازه‌ای بود که شمار زیادی از دانش‌جویان نیز در اثر پشتکار بیش از اندازه، سلامتی خود را از دست دادند و شهیدان علم شدند.^۱ ژاپنی‌هایی که در سال ۱۶۳۵ میلادی با فرمانی چندمللی سرگونه سفر به خارج را محکوم می‌کردند^۲ برای آگاهی از آخرین دستاوردهای علمی تصمیم گرفتند به کشورهای پیشرفته صنعتی دانشجو اعزام کنند.

خاطره مرحوم مهدی‌قلی هدایت (ساج خیرالسلطنه) که همراه علی‌اصغرخان اتابک از چند کشور، از جمله ژاپن، عبور کرده بود، در سفرنامه‌ای با عنوان «تشریف به مکه از طریق چین، ژاپن و آمریکا»

۱. اگر ما چنان خود را درگیر و علاقه‌مند بیاوریم که «چشم بر هم گذاشتن» را تلف شدن وقت به شمار آوریم، آنگاه در راه درست گام نهاده‌ایم. (نه برای اقمه‌های نان، ص ۶۵)

۲. در سال ۱۶۳۵ حکومت وقت فرمانی صادر کرد: الف) کشتی‌های ژاپنی از عزیمت به ممالک خارجی اکیداً ممنوع هستند. ب) هیچ ژاپنی مجاز به رفتن به خارج نیست؛ اگر کسی پنهانی در این کار بکوشد، اعدام خواهد شد. ج) هر ژاپنی که پس از اقامت در خارج به ژاپن بازگردد، باید اعدام شود.

خواندنی است. او می‌نویسد:

در سفر به ژاپن با مارکی/یتو، قائم مقام حکومت ژاپن، ملاقات کردیم. او منزلتی فوق العاده نزد امپراتور داشت. بعد از ناهار، ساعتی تنها با مارکی اتفاق صحبت افتاد. مترجمی ژاپنی و من حضور داشتیم. اتابک عنوان کرد: دانسته‌ایم که ترقیات ژاپن نتیجه حس تدبیر و تعلیمات جناب عالی است؟ گفت: این همه آوازا از شه بود! از اتابک پرسید: از کجا شروع کردید؟ گفت: چون دست به کار زدیم، باید مدرسه کار نداریم. از جوان‌های آزموده به اروپا و آمریکا فرستادیم. در هر شعبه علمی و صنعتی تکمیل شدند. سپس به تشکیل مدرسه پرداختیم و هرگونه مدرسه در مملکت ساختیم. بین من و اتابک صحبت‌ها در این زمینه رفته بود. فرمایشات مارکی، باری از روی دل من برداشت.^۱

در خارج، دانشجویان ژاپنی اغلب با یک بزرگی مواجه بودند. آن‌ها سردرگم شده بودند و نمی‌دانستند از میان الگوهای گوناگون غرب کدام یک را باید برگیرند و کدام یک را فروگذار. در واقع، ژاپن از نخستین کشورهایی بود که برای الگو گرفتن راهی خارج می‌شد و بر این اساس، تجربه‌ای در دسترس نداشت. اما در این‌جا نیز باورهای و عادت‌ها به کمکش آمد و به او فهماند که برای گزینش هر الگویی باید به همه نیازهای آن را مبنا قرار دهد و آنچه را که با آن سازگار می‌بیند انتخاب کند. او از ترکیب تجربه و دانش غرب با باورها و ارزش‌های جامعه خود، معجونی معجزه‌آسا ساخت که به بازوی جوهر و کارایی سستی مدیریت سامورایی، برای انجام تحولات و دگرگونی‌های بعدی، کارگردانانی توانا و لایق تربیت کرد. نظم و کوشا بودن رزمندگان قدیم

که جوهره مدیریت فعلی را شکل می داد، در راه پیشرفت های صنعتی و بازرگانی به کار افتاد و موجب تفهیم ارزش های جدید به مردم شد و ایشان را در راه رسیدن به آن ها سازمان دهی کرد.

با شروع کار نخستین خط راه آهن، برنامه های توسعه آن نیز تهیه شد و کشتی سازی، حمل و نقل دریایی و نیز صنایع پایه زیر چتر حمایت دولت قرار گرفت و پس از اندکی ثبات و استحکام، اجازه داده شد تا در اختیار بخش های غیردولتی قرار گیرد.^۱ آن ها با این ابتکار، سرمایه های داخلی را در راه اصلاح سازنده کشور به کار گرفتند و از تکیه بر سرمایه های خارجی پرهیز کردند. با این حرکت مثبت و رو به جلو مشکل کمبود سرمایه از بین رفت و در واقع با بنیه اقتصادی خودشان، سازندگی آغاز شد. در تمامی این مراحل، ثانی ها همواره بر یک نکته اتفاق نظر داشتند و آن، این که تلاش می کردند تا حد ممکن، همبستگی ملی در نقطه حساس انتقال از نظام سنتی به نظام جدید حفظ شود؛ نگرشی که بیشتر از غرور ملی و نیز آگاهی شان از وضعیت جهانی مایه می گرفت.

در سال ۱۸۶۸ نظام نوپای امپراتور جدید با صدور فرمانی در یک سند پنج ماده ای، فلسفه کلی و بنیادین حکومت زاین را ابلاغ کرد:

۱. سیاست دولت بر مبنای مشورت گسترده است.
۲. مردم در خواست های خود آزادند.
۳. منافع ملی بالاتر از همه چیز است.
۴. عادات پست گذشته باید منسوخ شود و شیوه های مرفعی جای

۱. در فصل های آینده با نمونه هایی از این بخش ها آشنا خواهید شد. آن ها با هم تایان خود در

دیگر کشورها تفاوت های عمده ای دارند. بیشتر ایشان فلسفه ای برای حیات خود قائل اند که با بهروزی جامعه و سربلندی کشورشان ارتباطی تنگاتنگ دارد. (م)

۲. هم زمان با دوران صدارت میرزاتقی خان امیرکبیر در ایران!

آن‌ها را بگیرد.

۵. برای تحکیم حکومت امپراتور، باید دانش را در سراسر جهان بجویم.^۱ حقیقت آن بود که ژاپنی‌ها از آنچه بر چین می‌گذشت، هشیار شدند. آن‌ها می‌دیدند کشوری با چنان جمعیت و غروری که مانع تقلید او از شیوه‌های غرب بود، در برابر حملات خارجی ضعیف شده است و خارجیان آن را غارت می‌کنند. ژاپنی‌ها به این نکته نیز دقت داشتند که کشورهای غربی قدرت خود را در عرض پنجاه تا یک‌صد سال به دست آورده‌اند. همین امر موجب استواری عزم و شکوفایی اعتماد به نفس آن‌ها شد. البته در داخل کشور همه اقبال با این تغییرات موافق نبودند و شماری از آن‌ها به صلح وابط و اخراج خارجی‌ها معتقد بودند! امپراتور با تکیه بر پایگاه تاریخی و سنتی خود در میان مردم، در اکتبر ۱۸۱۰ هم‌زمان با اعلام مشروطیت و انعقاد افتتاح مجلس شورای ملی، هشدار داد چنانچه مخالفان با فعالیت‌ها و برخوردهایشان به صلح و ثبات کشور لطمه‌ای بزنند، قهر امپراتور گریبانشان را خواهد گرفت.

در زیر شعارهای میهنی و ملی کشوری غنی و ایستادگی قوی، این باور وجود داشت که تنها یک حکومت استوار و مستحکم می‌تواند ژاپن عقب‌مانده را به شاهراه ترقی و پیشرفت برساند. بنا به گفته این خلدون،

۱. در ارج گذاری ژاپنی‌ها به اهمیت علم و استفاده از فرصت‌ها، ذکر این نمونه از تاریخ ژاپن شایان توجه است: «در حمله کشتی‌های انگلیسی به یکی از جزایر ژاپن که قبایل سانسوما سکونت داشتند، سانسوماها با وجود گلوله‌باران جزیره‌شان، با انگلیسی‌ها از در دوستی درآمدند و برخلاف انتظار ایشان، از آن‌ها به گرمی پذیرایی کردند. این قبایل قدرت دشمن را آزموده بودند و دنبال فرصتی می‌گشتند تا از طریق دوستی، دقایق فنی ساخت توپ‌های آن‌ها را فراگیرند. یکی از نویسندگان ژاپنی می‌نویسد: «دوستی با هیئت انگلیسی که برای برخورد با ما آمده بود، بعدها سبب ایجاد امکاناتی در جزیره شد و ما در واقع با کمک خودشان اسرار علمی آن‌ها را آموختیم».

مورخ بزرگ مسلمان، دولت با تمدن رابطه‌ای مستقیم دارد. حتی از نظر کیفیت و مدارج نیز، دولت و تمدن علت و معلول‌اند. هنگامی که دولت به حد اعلای قدرت برسد، تمدن به نهایت درخشش خود خواهد رسید و آن‌گاه که دولت ضعیف و ضعیف‌تر شود، تمدن نیز سیر انحطاطی آغاز می‌کند، تا وقتی که به طور کلی منقرض و تمدن نیز معدوم شود. از طرفی، جامعه نیز آن‌گاه دچار هرج و مرج می‌شود که امیران جامعه خصال نیکری خود را از دست بدهند و مردم بنا به قول معروف «الناس علی دین ملوکهم»^۱ از ایشان تبعیت کنند و بدکردار شوند.

تاریخ گذشته را این حاکی از آن است که زمامداران وقت، به اصول فوق اعتنا داشته و در فرمان‌ها و دستورنامه‌های خود از آن‌ها یاد کرده‌اند.^۲

در بندهای ۱۵ و ۱۶ از فرمان‌نامه‌ای که ذکر آن گذشت، می‌خوانیم:

امیران ولایات باید مردان کار آزموده را به خدمت گیرند. اگر حکومت و امارت دارای مردانی کافی و صالح نباشد، پیوسته در رونق خواهد بود، زیرا در غیر این صورت محکوم به نابودی است.

دولت‌مردانی می‌خواهند با دارایی خود، و فخر بفروشند و ناداران از

۱. کلیات عقاید ابن‌خلدون، صفحات ۱۴ و ۶۹.

۲. در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، کالا و لوازم زندگی اندک به دست بزرگی از مردم ژاپن بی‌کار و گرسنه بودند. در چنان اوضاعی که بازار سیاه رونق گرفته بود، همه می‌شد یک قاضی دادگاه که پاس وی به قانون او را از خرید جنس در بازار سیاه باز می‌داشت، در نتیجه اندک بودن مواد خوراکی جان سپرد! (در جستجوی نیکفرجامی، ص ۲۸۹).

در اخلاق امپراتور دایگیو نوشته‌اند که به درویشی زندگی می‌کرد و بیشتر نمی‌طلبید. روزی دید دود از روزن خانه رعیتی برمی‌آید. به زنش گفت: دیگر غصه ندارم. ما متمکن شده‌ایم. ملکه گفت: خانه‌ات خراب است و لباس‌ت مندرس. از کجا متمکن شده‌ای؟ گفت: رئیس قوم تمکنش به تمکن رعیت است، نمی‌بینی که از دودکش خانه‌های رعایا دود برمی‌خیزد، نه این نشانه‌ی تمکن ماست؟

بی چیزی خود به شرم افتند. چیزی به این اندازه، روحیه مردم را تباه نمی‌کند. پس باید سخت جلوی این کارها را گرفت.^۱

در مواد ۲۵ و ۲۹ قانون اساسی ژاپن نیز که پس از سال ۱۹۴۵ به تصویب رسید، آمده است:

تمام آحاد مردم باید از حداقل معیشتی برخوردار شوند که متضمن یک زندگی تربیت‌یافته خوب و سالم است.

حقوق مالکیت بر طبق مصالح عمومی توسط قانون تعریف می‌شود و مالکیت خصوصی ممکن است به منظور جبران و ترمیم، توسط عموم مردم استفاده شود.

بیشتر زمامداران و پادشاه در طول عمر دراز فرمانروایی خود از ایجاد هر وضعیتی که ممکن بود اصول جامعه را مخدوش و مبانی اعتقادی مردم را متزلزل کند، جلوگیری می‌کردند.

۱. فوکوتساوا یوکیشی، اندیشمند بلندآوازه ژاپن در قرن دوازدهم، در رساله معروف خود با عنوان «نظریه تمدن»، و در پیامی به اولیای وقت می‌نویسد: «هر خود را شریک غم‌ها، دلواپسی‌ها و خوشی‌های مردم بدانیم، می‌توانیم آن‌ها را به سوی وحدت هدایت کنیم. به نظر من این تنها راهی است که می‌توان مردم ژاپن را تکیان داد. به زعم من، اگر لشکری متشکل از جنگجویانی دل‌آور متحمل شکست شود، گناه این کار متوجه فرمانروای رزمنده نیست، بلکه به سبب فقدان مهارت افرادی است که در امر تحرک دروسی سربازان خالت می‌کنند و نمی‌توانند روحیه رزمندگی آنان را به گونه‌ای مناسب حفظ و رهبری کنند».

۲. به دستور امپراتور ژاپن، منشورنامه قانون اساسی ژاپن به مجالس قانون‌گذار اغلب کشورهای جهان فرستاده شد تا نظرات خبرگان قانون‌گذار و نیز حقوق‌دانان آن سرزمین‌ها پرسیده شود، زیرا تحقق سودای بسط ارتباط سازنده با همه دنیا مستلزم اطلاع مقامات ژاپنی از دیدگاه‌های آنان پیرامون قانون اساسی ژاپن بود. (م)

۳. در ادامه «سفرنامه دیار آفتاب آمده است: «در بازگشت از دیدار ایتو در ترنی میان یوکوهاما و توکیو، در بین راه مردی و زنی و جوانی وارد واگن شدند. یکی جای خود را به خانم داد. مترجم ما گفت: این مرد وزیر علوم ماست. آن زن عیال اوست و آن جوان، فرزند ایشان. آقای وزیر و پسرش تا ایستگاه آخر ایستاده بودند».